

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۲ جنوری ۲۰۱۹

نیاز به مداخله مجدد "جان کری"

دوشنبه- ۰۱ دلو ۱۳۹۷- کابل: وقتی بعد از کنفرانس اول در بن، نام داکتر "عبدالله عبدالله" در کنار دو یار منافق و جاسوس دیگرش "قسیم فهیم" و "یونس قانونی" بر سر زبانها افتاد، از آن جایی که در سطح افغانستان و جهان تا آن زمان چهره ای بود تقریباً ناشناخته، وی را بیشتر به "احمدشاه مسعود" و یک تن از یاران وی یاد می نمودند. در جریان ۱۷ سال گذشته و شرکت ها و شکست های متواتر وی در انتخابات ها و باز هم وارد میدان رقابت شدن، فکر می کنم یک نکته را ثابت ساخت که نامبرده در کنار شاگردی استادش "مسعود" از پیروان درجه یک "فضلوی پوده" در سیاست می باشد. زیرا تا جایی که بزرگان می گویند برای "فضلوی پوده" که بنای صفت پهلوان را نیز با خود حمل می کرد تنها چیزی که در یک مسابقه هیچ اهمیتی نداشت مبارزه به خاطر پیروزی و اجتناب از شکست بود، از همین رو تخلص "پوده" را مردم چیز فهم کابل به وی عطاء نموده بودند. برای وی مهم بود که در مسابقه داخل شود همین و بس. حال وقتی از نظر سیاسی به کارنامه "عبدالله عبدالمود" طی ۱۷ سال گذشته نظر انداخته می شود می بینیم که وی نیز در هر انتصاباتی حضور داشته، شکست خورده، برای پذیرش شکست ناز و نخره نموده به میلیونها دالر پول حق المصالحه دریافت داشته، بار دیگر نیز باز وارد صحنه شده است.

در این بازی مسخره، این که شخص "عبدالله پوده" شرم ندارد مسأله ای نیست زیرا در قبال بی شرمی و بی حیائی خود پول کافی به دست می آورد و اما این که کسان دیگری باز هم از وی حمایت می نمایند و یا به دنبال وی راه می افتند، باید در فرهنگ های لغت جست و جو نمود تا کلمه ای رکیک تر از "پوده" در آن یافت؛ مگر این که بپذیریم که باید بپذیریم آنها نیز در تقسیم پول با "عبدالمود" شریک اند.

مسأله ای که این بار "عبدالمود" و همچنان "محمد محقق" با آن مواجه اند، چگونگی دوام کارشان است. زیرا نظر به ماده ۱۵ قانون انتخابات که می گوید "رئیس، اعضای دادگاه عالی، دادستان کل و دادستانان، وزراء، معینان، والی ها و معاونان شان و ولسوالان و رؤسای نواحی، منسوبین وزارت های دفاع ملی، امور داخله و ریاست عمومی امنیت ملی، رؤسای عمومی و رؤسای بخش های وزارت ها و ادارات دولتی در مرکز و ولایات و کارکنان کمیسیون انتخابات نمی توانند قبل از استعفاء خود را به ریاست جمهوری، شورای ملی، شوری های ولایتی و ولسوالی ها کاندید نمایند مگر اینکه زمان تسلیم اوراق نامزدی شان از وظیفه خود استعفاء داده باشند."؛ از آنجائی که آنها در عین مقام "ریاست

اجرائیه و معاونیت آن" کاندید نیستند، زیرا چنین مقام و منصبی در تشکیلات اداری افغانستان وجود ندارد، در نتیجه می بایست قبل از ثبت نام، از مقامهای کنونی شان استعفاء می دادند.

دادن استعفاء به همان اندازه که در حرف ساده به نظر می رسد در عمل دشوار است چه به علاوه از دست دادن امتیازات نده به امید حلوی نسبه پیروزی، استعفاء آنها را از اتوریتة اداری و امکان کنترول نسبی که فعلاً از حریف دارند محروم ساخته، میدان به جناح رقیب خالی می ماند.

وقتی از این منظر به ثبت نام کاندید ها برخورد صورت می گیرد و با در نظر داشت نفوذ و سلطه بی رقیب "غنی احمدزی" بر "کمیسون انتخابات" هیچ بعید نیست که چند روز مانده به بال ماسکه انتخابات، کمیسون دو رقیب "غنی احمدزی" یعنی "حنیف اتمر" و "عبدالله عبدالمود" را به علت تخلف از قوانین انتخاباتی از میدان رقابت ها اخراج اعلام نماید.

تا جایی که دیده می شود مبنای حرکت "عبدالمود" و "محقق" و خودداری آنها از استعفاء، نیامدن نام "ریاست اجرائیه" در قانون بوده چه بسا آنها ادعا نمایند که ریاست اجرائیه به مثابه یک راه حل نام دیگری بوده بر موجودیت دو مقام "ریاست جمهوری" در یک کشور واحد. هرچه باشد بن بست قانونی در انتظار است و نیاز به آمدن "جان کری" محسوس.

دیده شود چه می شود!!